



من اصلا کاری به دستمزدها و کیفیت هم ندارم که در شبکه نمایش خانگی نیز ممکن است کار بی کیفیت ساخته شود کما این که ساخته می شود ولی مخاطب بی کیفیت ترین کارهایی که در شبکه نمایش خانگی تولید می شود از باکیفیت ترین کارهایی که این روزها به اصطلاح در تلویزیون ساخته می شود هم بیشتر است. آن چه که هنرمند می خواهد در درجه اول دیده شدن و این است که حاصل زحمتش مورد توجه و در معرض نمایش عموم و دید مردم قرار گیرد. به هر صورت در حال حاضر شبکه نمایش خانگی بسیار مورد اقبال و مورد پذیرش هم مردم و هم هنرمندان است و به نظر من صداوسیما خیلی زودتر می توانست خودش را در این مسابقه یا هم پا کند یا یک کاری کند که حداقل این قدر عقب نماند. در نهایت من معتقدم که صداوسیما همه چیز را به شبکه نمایش خانگی باخت.

**بعد از تمام صحبت‌هایی که شد، در نهایت بزرگ‌ترین نقطه ضعف و نقطه قوت رسانه ملی در سال ۱۴۰۲ را چه چیزی می‌دانید؟**

به نظر من بزرگ‌ترین نقطه قوت رسانه ملی، این است که به هر حال یک گسترده‌ای گی دارد که می‌تواند تماشاگر بسیار زیادی داشته باشد. کما این که در این سال‌ها سیر از دست دادن مخاطب را در پیش گرفته است. به نظر من تنها دست‌آورد و موفقیت تلویزیون در سال‌های اخیر پخش فوتبال‌های زنده لیگ‌های خارجی بوده است. بزرگ‌ترین نقطه ضعفش هم نوع مدیریت از مدیریت کلان تا مدیریت خرد در سازمان صداوسیما است. تا وقتی که این گونه نگاه‌های سیاسی، حزبی، جناحی و خوب به معنای مطلق و بد به معنای مطلق، وصله کردن به آدم‌ها و

غیرمشابهی است که در تلویزیون ساخته خواهد شد، همچنین با بازپخش دیگر برنامه‌های آن دوران، به نظر من این سیاست اگر در تلویزیون ادامه پیدا کند، چشم‌انداز بهتری هم برای تلویزیون وجود نخواهد داشت.

**رقابت تلویزیون در سال ۱۴۰۲ و شبکه نمایش خانگی را نسبت به دیگر سال‌ها چطور دیدید؟**

به نظر من رسانه ملی به طور کلی قافیه را به پلتفرم‌ها و شبکه نمایش خانگی باخته و به قول نقی معمولی بد هم باخته! راهی هم برای برگشتش پیدا نمی‌کند. آن‌ها سریال‌ها را در ژانرهای مختلف با بازیگران محبوبشان در شبکه نمایش خانگی و در پلتفرم‌های مختلف جستجو می‌کنند و می‌بینند، واقعا عجیب است که یک رسانه ملی با این تعداد شبکه به صورت رایگان در دسترس عموم مردم باشد اما ترجیح آن‌ها این باشد که در کنار هزینه‌های اینترنت، اشتراک یک پلتفرم را بخرند تا بتوانند از آن‌ها سریال تماشا کنند. آن دسته افرادی هم که این کار را نمی‌کنند، از ماهواره سریال‌های ترکی را تماشا می‌بینند. همین مسئله باعث شده که بسیاری از هنرمندان قید همکاری با تلویزیون را بزنند، چرا؟ به خاطر این که هم در پلتفرم‌ها دستمزدهای بهتری می‌گیرند، هم کارهای جذاب‌تری بازی می‌کنند، هم با هنرمندان بسیار بهتر و توانمندتری همکاری می‌کنند. مهم‌تر از همه این است که می‌دانند کاری که می‌کنند، وقتی که می‌گذارند و زحمتی که می‌کشند، دیده می‌شود و مخاطب دارد. این موقعیت واقعا خنده‌دار است و البته خنده بسیار تلخی است که یک رسانه ملی آن قدر راحت قافیه را به شبکه خصوصی و پلتفرم‌ها ببازد. البته در یک دوره با ایجاد ساترا و تلاش برای آوردن آن‌ها زیر نظر سازمان صداوسیما، یک دست و پاهایی زدند که همان موقع هم اگر خاطر تان باشد خیلی از هنرمندان اعتراض کردند که اگر قرار بود بر اساس قواعد و تفکرات مدیران صداوسیما سریال ساخته شود که وضعیت شبکه نمایش خانگی هم مثل وضعیت تلویزیون، بی‌مخاطب و بی‌اثر بود؛ و در نهایت موفق نشدند این مسیر را در پیش بگیرند و هنوز هم می‌شود کارگردان‌های خوب و بازیگرهای خوب را در شبکه نمایش خانگی دید و من فکر می‌کنم که دیری نخواهد پاید که صداوسیما برای این که بتواند مخاطب جذب کند و خودش را نجات دهد، سریال‌های شبکه نمایش خانگی را خریداری و از شبکه‌های تلویزیونی پخش کند؛ به نظر من مدیران صداوسیما باید یک مقدار اندکی به این نکته فکر کنند که خب ما همگی در یک مملکت، با یک سری معیارهای مشخص برنامه‌سازی و سریال‌سازی و تحت لوای یک نظام داریم زندگی می‌کنیم، پس چگونه می‌شود که شبکه‌های نمایش خانگی، سکوها و پلتفرم‌ها، سریال‌هایی می‌سازند که آن قدر برای مردم جذاب‌اند، ریالیته‌شوها و برنامه‌هایی می‌سازند که مردم تماشا می‌کنند؟

علاقه‌مندی‌هایم نشد، هنوز هم اولویت اصلی‌ام تئاتر است و همچنان از بازی کردن بر روی صحنه تئاتر بیشتر لذت را می‌برم. نگاهم به تلویزیون و سینما نیز تغییری نکرده، به هر حال سینما برایم جذاب است، در خصوص تلویزیون هم من جزو آن دسته از آدم‌هایی نیستم که بگویم در تلویزیون بازی نمی‌کنم، هر زمان در تلویزیون کاری به من پیشنهاد شود که فیلمنامه کامل و خوبی داشته باشد و عواملی که در ساخت آن دخیل هستند، عوامل نام‌آشنایی باشند که بتوانم به آن‌ها اعتماد کنم در تلویزیون کار خواهم کرد. ولی دیگر به هر قیمتی و با هر آدم کم تجربه و ناشناخته‌ای کار نخواهم کرد. به خاطر این که در طی سال‌های اخیر بارها تلاش کردم، بارها این اعتماد را کردم و ضربه‌اش را خودم دیدم و احساس کردم که از من سوءاستفاده شده و آن قدری که باید احترام گذاشته نشده و فقط تلاش بیهوده کردم، زحمت بیهوده کشیدم، و قتم را هدر دادم و در نهایت هم هیچ بهره‌ای از آن نبردم.

در حقیقت نگاهم تغییر نکرده، همان نگاه را دارم ولی فکر می‌کنم که یک مقدار بار مسئولیت سنگین‌تری روی دوشم هست، یک مقدار باید با واسواس و دقت بیشتری انتخاب کنم و بتوانم امانت‌دار خوبی برای جایزه‌های باشم که الان در دست من است و قبلا در دست بسیار بازیگران بزرگی بوده که من به هیچ وجه خودم را با آن‌ها مقایسه نمی‌کنم، فقط می‌توانم افتخار کنم از این که نام من هم در سیاهه بازیگرانی است که قبلا این جایزه را دریافت کرده‌اند و هر کدام‌شان می‌توانند تاریخچه‌ای و برگ‌ای از تاریخ بازیگری این مملکت را رقم زده باشند.

**خب برگردیم به تلویزیون و عملکردش در سال ۱۴۰۲، از پر مخاطب‌تر و بالاتر بودن سطح کیفی سریال‌های قدیمی نسبت به سریال‌های چند سال اخیر گفتید. آیا این تفاوت در برنامه‌سازی‌ها هم دیده می‌شود؟ آیا برنامه‌ها و مسابقات تلویزیونی در سال ۱۴۰۲ مثلا هم پای برنامه‌هایی چون «سیمرغ»، «راز سیب» و دیگر برنامه‌های دهه‌های پیش بوده یا خیر؟**

به نظر من اصلا نمی‌شود یک برنامه‌هایی مثل «سیمرغ»، «راز سیب» و دیگر برنامه‌های مشابه‌شان را با برنامه‌های امروز مقایسه کرد. یادم می‌آید سال‌ها پیش اگر اشتباه نکنم پنجشنبه شب‌ها یا جمعه شب‌ها برنامه‌ای به نام «مسابقه هفته» با اجرای بی نظیر شادروان منوچهر نوردی پخش می‌شد و من با وجود این که در اوج کودکی بودم کنار خانواده می‌نشستم و آن را نگاه می‌کردم. همیشه آن برنامه را پیگیری می‌کردیم و دلخوشی ما بود و به نظر من با گذشت این همه سال اگر «مسابقه هفته» از تلویزیون بازپخش شود، مخاطبش قطعاً هزاران هزار برابر صدها برنامه مشابه و